

مضامین و شعائر مذهبی منقول بر سکه‌های دوره افشاریه (۱۱۴۸-۱۲۱۰ ق.)

جواد موسوی دالینی^۱

چکیده: زمینه‌ها و تغییرات سیاسی و اجتماعی نقش مهمی در شکل‌دادن به آثار تصویری و هنری وابسته به حکومت دارد. نوشتارها و مضامین روی سکه‌های ایرانی با سقوط و تأسیس حکومت‌ها دچار تغییرات محتوایی می‌گردد. فرماتروایان این سرزمین به علل مختلفی موجبات این تغییرات و تحولات را فراهم می‌نمودند. این پژوهش به روش ترکیبی میان‌آیی و کتابخانه‌ای و به شیوه تاریخی-تحلیلی رابطه میان محتوای سکه‌های دوره افشاریه، روند مضامین و شعائر مذهبی نقر شده و همچنین نگرش حکمرانان این سلسه نسبت به نقر این شعائر بر سکه‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد. مسئله نوشتار کتوئی، بررسی سیر تحول مضامین و شعائر نقر شده بر سکه‌های دوره افشاریه بهویژه دوران نادرشاه به عنوان دوره‌ای پرترنش از منظر بحران مشروعیت و اندیشه‌های مذهبی است. به عبارت دیگر سعی دارد جایگاه سکه را به عنوان بازتاب دهنده و متنقل کننده این مفاهیم و تحول آنها آشکار سازد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که یعنی و نگرش مذهبی حکمرانان این دوره، مضامین و محتوای سکه‌های رایج را تحت تأثیر قرار داد. علاوه بر این، نخستین سکه‌های نادر با شعائر شیعی ضرب شده است، اما او بلافضله پس از تاجگذاری با کار نهادن شعائر شیعه و توسعه قلمرو، بر مضامینی که نمایشگر اقتدار و شوکت نادر است تأکید می‌کند. اهمیت موضوع در این است که با توجه به اینکه در حکومت افشاریه چالش‌های سیاسی سیاری رخ داده است، آثار هنری و به طور خاص سکه‌های این دوران می‌تواند نمایشگر ظهور مضامین و نشانه‌های جدید باشد.

واژه‌های کلیدی: سکه‌شناسی، افشاریه، نادرشاه، عادل‌شاه و شاهرخ

۱ استادیار گروه تاریخ دانشگاه شیراز javad_shirazu@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۲۸ تاریخ تأیید: ۹۶/۰۶/۰۳

Religious Themes and Motifs on the Coins of Afsharid Dynasty (1148-1210 AH)

Javad Mousavi Dalini¹

Abstract: The political and social context and changes have an important role in shaping government-related visual and artistic works. Changes in the writing and content on Iranian coins were subject to changes with the rise and fall of dynasties. Rulers of this land have caused such changes for a variety of reasons. In this research, a combination of field study, desk study and historical analytical method has been used to understand the trend of religious themes and motifs on the Afsharid coins, as well as the attitudes of the rulers of this dynasty towards such motifs. This research aims to explain the relationship between the contents of Afsharid period coins, especially the era of Nadir Shah Afshar, as an intense period full of crises of legitimacy and religious thought. In other words, it tries to understand the position of coins as a reflection of these concepts and their evolution. The results of the research indicate that the religious insight and attitude of the rulers of this period affected the content of common coins. The first coins during Nader Shah period shows Shiite rituals, however, immediately after the coronation and abandoning the Shiite rites and expansion of its territory, the content focuses on his power and glory. The significance of the issue is that, given that many political challenges have taken place in Afsharid dynasty, artwork, and in particular the coins of this era, can serve as a display of the emergence of new themes and signs.

Keywords: Numismatics, Afsharid dynastey, Nader Shah, Adel Shah, Shahrokh

¹ Assistant Professor of History Department at Shiraz University javad_shirazu@yahoo.com

طرح مسئله

هنگامی که گستاخ در جامعه به وجود می‌آید، این بحران باید به نحوی در قالب بازنمایی حل شود. تغییرات ایجاد شده در شکل و عبارت مضامین ممکن است بازتاب تغییرات ذهنی افراد و یا تغییرات به وجود آمده در محیط باشد. نوشه‌های روی سکه‌ها جریانی مداوم در طول تاریخ بوده که در هر دوره تغییرات خاص خود را داشته است. این تغییرات متأثر از نگرش سیاسی و مذهبی فرمانروایانی بوده که در امر طراحی، شعارها و نقوش سکه‌ها دلالت داشته‌اند.

اساس این بررسی بر طرح چند پرسش در این زمینه استوار است؛ هدف و انگیزه فرمانروایان دوره افشاریه در استفاده از شعائر مذهبی بر روی سکه‌ها چه بود؟ تأثیر بینش و نگرش مذهبی نادرشاه بر محتوای سکه‌های رایج این دوره چگونه بود؟ آیا سکه‌های ضرب شده در دوره نادرشاه جهت گیری‌های خاص مذهبی را نشان می‌دهد و حاکی از قدرت گیری مذاهب خاص و تضعیف برخی مذاهب دیگر است؟ فرضیه پژوهش آن است که بینش و نگرش مذهبی حکمرانان این دوره، مضامین و محتوای سکه‌های رایج را تحت تأثیر قرار داد. علاوه بر این، فرمانروایان این برده زمانی از سکه به مثابه ابزاری در نشر شعائر دینی خود بهره گرفته‌اند و در مجموع نقوش سکه‌های این دوره با عصر پیش از خود متفاوت است.

در زمینه پیشینه تحقیق گفتی است که در مورد سکه‌های دوره افشاریه، قبل و بعد از آن پژوهش‌هایی صورت پذیرفته است از جمله: سکه‌های اسلامی ایران از آغاز تا حمله مغول^۱، تألیف ارزشمند سید جمال ترابی طباطبائی و منصوره وثیق که با سکه اسپهبدان طبرستان آغاز شده و با معرفی مسکوکات ایلک خانیان به پایان می‌رسد. یکی از امتیازات و ویژگی‌های این اثر آن است که مسکوکات هر سلسله را به طور دقیق اعم از جنس، وزن و قطر معرفی کرده و سپس متن نقر شده بر روی سکه‌ها را به طور کامل ذکر می‌کند. سکه‌های آق قویونلوها و مبنای وحدت حکومت صفویه در ایران^۲، اثر دیگر سید جمال ترابی طباطبائی است. آلبوم سکه‌ها، نشان‌ها و مهرهای شاهان ایران اثر رایینو^۳، بارتولد در اثر فرهنگ اسلامی^۴ از

^۱ سید جمال ترابی طباطبائی و منصوره وثیق (۱۳۷۳)، سکه‌های اسلامی ایران از آغاز تا حمله مغول، تبریز: نشر مهدآزادی.

^۲ سید جمال ترابی طباطبائی (۱۳۵۵)، سکه‌های آق قویونلوها و مبنای وحدت حکومت صفویه در ایران، تبریز: اداره کل موزه‌ها.

^۳ لوئی رایینو (۱۳۵۳)، سکه‌های شاهان ایرانی: آلبوم سکه‌ها، نشان‌ها و مهرهای پادشاهان ایران، به اهتمام محمد مشیری، تهران: امیر کبیر.

^۴ واسیلی ولادیمیروویچ بارتولد (۱۳۸۹)، فرهنگ اسلامی، ترجمه لیلا رینشه، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

سکه‌ها در بررسی و تحلیل دوره‌های تاریخی پژوهش‌های خود بسیار بهره برده است. این مورخ روسی از فراوانی نقر نام امام رضاع) بر روی سکه‌ها و علت آن در عصر پس از نادر یاد می‌کند. کتاب‌شناسی سکه‌ها، مهرها و طغراهای پادشاهان ایران اثر محمد مشیری^۱ از پژوهشگران پرتلاش ایرانی در عرصه سکه‌شناسی تاریخی و مهرها است. سکه‌های دوره صفویه^۲ نوشه فرزانه قائینی، سکه‌های ایران از آغاز تا زنده^۳ نوشه سرافرازی و آورزمانی، سکه‌های ضربی، چکشی ایران (صفویه، افغان‌ها، افشاریه، زنده و قاجاریه)^۴ اثر فرجبخش؛ تاریخ سکه دوره قاجاریه^۵ تألیف داریوش شهبازی؛ دارالضرب‌های ایران در دوره اسلامی^۶ اثر عقیلی و «فرهنگ تاریخی سنجش‌ها و مقیاس‌ها»^۷ اثر ابوالحسن دیانت. این آثار مجموعه‌ای ارزشمند از مسکوکات از عصر هخامنشیان تا دوره کنونی را در دو جلد دربر می‌گیرد که در جلد دوم، به برخی مسکوکات بهویژه، در ممالک همجوار اشاره شده است. در مجموع تحقیقات یادشده بیشتر به معرفی مسکوکات موزه‌های خصوصی و عمومی پرداخته و سکه‌ها را از نظر بررسی ضرایبانه‌ها، تاریخ ضرب، تعیین جنس، تزئینات و نوع خط و غیره مورد بررسی قرار داده‌اند. بنابراین پژوهش حاضر، با سایر پژوهش‌های مذکور متفاوت بوده، بر مضامین و شعائر نقر شده بر مسکوکات دوره افشاریه متمرکز شده است. از این رو هدف اصلی پژوهش، بررسی سیر تحول مضامین و شعائر مذهبی و ارزیابی و بازشناسی آنها با یکدیگر است.

مقدمه

در اوایل قرن دهم هجری، شاه اسماعیل اول (۹۰۷-۹۳۰ ق). حکومت مرکزی و قدرتمند صفویه را بنیان نهاد و مذهب شیعه را به عنوان مذهب رسمی کشور اعلام نمود. نکته بسیار مهم در این دوران، تغییر بسیار معنادار مضامین و هویت سکه‌های صفوی است. نقش بستن نام پادشاهان صفوی، القاب و جملاتی در وصف ارادت و وابستگی آنان به خاندان نبوت و

۱ محمد مشیری (۱۳۵۲)، کتاب‌شناسی سکه‌ها، مهرها و طغراهای پادشاهان ایران، تهران: انجمن فرهنگ ایران باستان.

۲ فرزانه قائینی (۱۳۸۸)، سکه‌های دوره صفویه، تهران: پازینه.

۳ علی اکبر سرافرازی و فریدون آورزمانی (۱۳۸۳)، سکه‌های ایران از آغاز تا دوران زنده، تهران: سمت.

۴ هوشنگ فرجبخش (۱۳۸۵)، سکه‌های ضربی، چکشی ایران (صفویه، افغان‌ها، افشاریه، زنده و قاجاریه)، برلین: نوین فرجبخش.

۵ داریوش شهبازی فراهانی (۱۳۸۰)، تاریخ سکه دوره قاجاریه، تهران: پلیکان.

۶ عبدالله عقیلی (۱۳۷۷)، دارالضرب‌های ایران دوره اسلامی، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار بزدی.

۷ ابوالحسن دیانت (۱۳۶۷)، فرهنگ تاریخی سنجش‌ها و ارزش‌ها، تبریز: نیما.

امامت به ویژه حضرت علی بن ابی طالب^(ع) چنان بود که بر مسکوکات شاه اسماعیل اول «ناد علی»، بر سکه‌های شاه طهماسب اول، «اسامی دوازده امام^(ع)»، بر سکه‌های محمد خدابند، «غلام امام مهدی^(ع)» و یا «غلام امام علی^(ع)»، بر سکه‌های شاه عباس اول و دوم، «کلب آستان علی عباس»، بر سکه‌های شاه سلطان حسین، «کلب در گاه»، ضرب شده است.^۱ برخی از ایيات نقر شده بر سکه شاهان صفوی از این قرار است:

- «زمشرق تا به مغرب گر امام است / علی و آل او ما را تمام است» (اسماعیل ثانی)
 (تصویر ۱).^۲

- «از بهر خیر این سکه را کلب علی، عباس زد» (شاه عباس صفوی).^۳

- «سکه مهر علی را تا زدم بر نقد جان / گشت از فضل خدا محکوم فرمان جهان» (شاه سلیمان صفوی).^۴

- «گشت صاحب سکه از توفیق رب المشرقین / در جهان کلب امیر المؤمنین، سلطان حسین» (سلطان حسین صفوی) (تصویر ۲)^۵

- «سکه زد طهماسب ثانی بر زر کامل عیار / لا فتنی الا علی لا سيف الا ذوالقار»
 (تهماسب دوم)^۶

همچنین در پشت سکه‌های صفوی جمله شهادتین «علی ولی الله» و در برخی موارد نام دوازده امام نقش بسته است. با حمله افغان ها به ایران و تصرف اصفهان به دست آنها، در محرم سال ۱۱۳۵ ق.، ابتدا محمود افغان و سپس اشرف افغان به سلطنت رسیدند. با روی کار آمدن این دو حاکم سنی مذهب، تغییر اساسی در کلمات و عبارات سکه‌ها به وجود آمد. اشرف افغان در ابتدا شعری را که در آن به خلفای راشدین اشاره دارد، با این مضامون ضرب کرد «از الطاف شاه اشرف حق شعار / به زر نقش شد سکه چاپار» (تصویر ۳)^۷ و سپس با این بیانه که سکه‌ها در دست اهل رد (کافرین) بر جلاله (نام خداوند) گناه است، برای دوری

۱ نک: صفورا برومند (زمستان ۱۳۹۴)، ضرایخانه فرج آباد: شناسایی شواهد تاریخی و سکه شناختی، پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران، س. ۴، ش. ۱، صص ۱۵-۵.

۲ صغیری اسماعیلی (۱۳۸۵)، سکه‌ها و مهرهای دوره صفوی، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی، ص ۴۳.

۳ رایینو، همان، ص ۹۸.

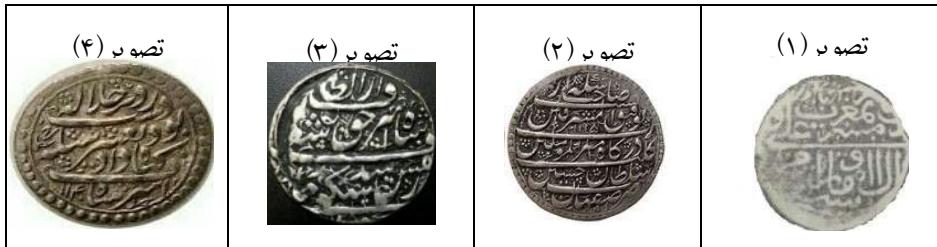
۴ ترابی، همان، ص ۱۷۷.

۵ سرافراز و آورزنانی، همان، ص ۲۴۶.

۶ رایینو، همان، ص ۱۴۱.

۷ علی اصغر شریعت‌زاده (۱۳۹۰)، سکه‌های ایران زمین، تهران: پازینه، ص ۲۶۸.

جستن از هر نوع ایرادی از سوی علماء شیعیان، زیرکانه شهادتین را هم از سکه‌ها حذف کرد: «دست رد بر جلاله بود گناه/ داد تعییر سکه اشرف شاه» (تصویر ۴).^۱ این تعییر بر روی سکه‌ها پس از دو قرن حکومت شیعه مذهب صفویه صورت گرفت و نکته بسیار مهمی از لحاظ تقابل مذهبی در این مقطع تاریخی است.



محتوای مضامین شیعی سکه‌های نادری پیش از تاجگذاری

فرمانروایان سلسله صفویه پیش از دو قرن زمامت و حکومت ایران را در دست داشتند. پس از آنکه سلسله یادشده توسط محمود غزایی سقوط کرد، غالب جامعه پذیرای حاکمان افغان نبودند. از این رو در جمادی الثانی سال ۱۱۴۲ ق. که نادر توانت اشرف افغان را شکست دهد و اصفهان را تصرف نماید، خود را پادشاه اعلام نکرد بلکه شاه طهماسب دوم (۱۱۳۵-۱۱۴۴ق.) را به پادشاهی منصوب و به نام وی سکه ضرب نمود. سه سال بعد به خاطر اقداماتی که شاه طهماسب انجام داد، نادر افشار وی را در ریب الاول ۱۱۴۵ ق. از قدرت خلع کرد، اما باز هم خود قدرت را به دست نگرفت، بلکه فرزند هشت ماهه شاه طهماسب به نام شاه عباس سوم را به سلطنت منصوب کرد و خود به عنوان نایب السلطنه قرار گرفت و به نام عباس سوم (۱۱۴۴-۱۱۴۸ق.) سکه ضرب شد.^۲ این اعمال نشانگر آن است که فضای سیاسی و مذهبی جامعه ایران به گونه‌ای بوده که نادر نمی‌توانست شاهزادگان صفوی را که دارای مشروعيت مذهبی بودند، حذف کند و خود مستقیماً قدرت را به دست گیرد. زیرا مقدمات لازم برای این موضوع فراهم نشده بود.

لازم به ذکر است که دوام و بقای یک حکومت تا حدودی زیادی به میزان مشروعيتی بستگی دارد که آن قدرت از نظر معنوی نزد هر قوم و ملتی از آن برخوردار است. بر این

۱ رابینو، همان، ص ۱۴۴.

۲ محمد کاظم مردمی (۱۳۶۴)، عالم آرای نادری، تصحیح محمد امین ریاحی، تهران: زوار، ص ۳۶۲.

اساس، خاندان‌های حکومتگر در طول تاریخ، این امر خطیر را نادیده نگرفته بلکه سعی کرده‌اند هر طور که شده برای خویش نوعی مشروعيت پیدا کنند. این مهم از سوی نادر که نه پایگاه خانوادگی بلندی داشت و نه مشروعيت مذهبی، بیشتر باید مورد توجه قرار می‌گرفت. از قضا نادر آن هوشمندی و درایت را داشت که ترتیبی منطقی برای تحقق چنین امر عظیمی انجام دهد. بدین صورت که علاوه بر گرد همایی دشت معان، اعلام نمود که قدرت او اساساً نه نتیجه زور بازو، قوه شمشیر، کثرت عده و عده و تدبیر، بلکه تماماً ناشی از اراده و عنایت الهی است. آنگاه برای اثبات این دیدگاه خود به آیات قرآن کریم و الہامات اولیاء الله تمسک می‌جست.^۱

رفتارهای دینی نادر به قدری متنوع و چندگونه بود که مسئله اعتقادات مذهبی وی برای محققان به یکی از مسائل بسیار غامض و پیچیده تبدیل شده است، تاحدی که هر گروهی نظر خاصی در این باره ارائه داده‌اند. عده‌ای او را شیعه‌مذهب و برآمده از جامعه شیعه می‌دانند^۲ و عده‌ای او را پیرو اهل سنت.^۳ رفتارهای مذهبی او گاه و بیگانه با یکدیگر متفاوت و متضاد بود. شاید رفتارهای او تا قبل از سلطنت، با پس از به تخت نشستن متفاوت بوده است.

نخستین نوشته‌ای که در متون تاریخی در پیوند با ضرب سکه به وسیله نادر مطرح گردیده، به شکست ملک محمود سیستانی و فتح مشهد در سال ۱۱۳۹ ق. برمی‌گردد. پس از پیروزی نادر، شاه طهماسب دوم به وی عنوان نائب‌السلطنه و لقب طهماسب‌قلی‌خان اعطاء نمود. براساس نوشته مورخی، نادر پس از این مهم، سکه نقره‌ای در نواحی مشهد با این مضمون ضرب نمود: «شاید به فلک از اقبال رکاب / طهماسب‌قلی‌خان شده از شاه خطاب».^۴

نادر هنگامی که توانست در سال ۱۱۴۲ ق. اصفهان را از تصرف افغان‌ها نجات دهد، از سوی شاه‌تهماسب دوم به این پاداش دست یافت که اداره امور خراسان و مالیات آن را در اختیار بگیرد. طهماسب‌قلی‌خان در همین زمان دستور داد در ولایت مزبور سکه‌ای با شعار «سلطان اقليم ولایت على بن موسى الرضا» ضرب زند.^۵ نادر علاوه بر این در سال ۱۱۴۳ ق. دستور ضرب سکه دیگری با مضمون ذیل را داد که کاملاً مضامین شیعی داشت.

۱ مروی، همان، ص ۴۵۶.

۲ رضا شعبانی (۱۳۷۸)، *تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه*، ج ۱، تهران: نشرخوشه.

۳ جونس هنوی (۱۳۸۳)، *زنگی نادرشاه*، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۶۹.

۴ حدیث نادرشاهی، (۱۳۵۶). *تصحیح و تحشیه و تعلیقات رضا شعبانی*، تهران: دانشگاه ملی ایران، ص ۷.

۵ استرآبادی، میرزا مهدی (۱۳۴۱). *تاریخ جهانگشای نادری*، به کوشش عبدالله انوار، تهران: انجمن آثار ملی، ص ۱۵۷.

روی سکه: «لَا إِلَهَ إِلَّا مُحَمَّدُ رَسُولُ اللَّهِ عَلَى وَلِيِّ اللَّهِ»
پشت سکه:

«از خراسان سکه بزر شد به توفیق خدا نصرت و امداد شاه دین علی موسی رضا»
پیرامون روی سکه: «علی، حسن، حسین، علی، محمد، جعفر، موسی، علی، محمد علی،
حسن و محمد» (تصاویر ۵)^۱



سکه نادر قبل از رسیدن به تاج و تخت (عباسی، نقره، ضرب مشهد، ۱۱۴۳ق.) (تصویر ۵)

تغییر مضامین و شعائر مسکوکات نادرشاه پس از تاجگذاری

رفار مذهبی نادر تا پیش از تاجگذاری از جمله ضرب سکه به مضامین و شعائر شیعی، عمران، ترمیم، زیارت ائمه اطهار(ع) و نامگذاری فرزاندانش، حاکی از اعتقادات شیعی او همچون دیگر ترکمانان قزلباش بود.^۲ اما سؤال اینجاست که چه شد نادر به یک باره مضامین سکه را که مشابه عصر صفوی بود، تغییر داد و از آن وجه غالب تشیع چیزی به چشم نمی خورد.^۳ دور از ذهن نیست که حذف اختلافات شیعه و سنی از نظر او تعریف جدیدی از دین باشد.^۴

۱ L. Rabino (1974), *Album of coins, medals and seals of the shahs of Iran (1500-1948 AD)*, edited by M. Moshiri, Tehran, Amir Kabir, pp. 1-15.

۲ سید ابوالقاسم فروزانی (تابستان ۱۳۹۱)، «نادرشاه در بارگاه احمدی»، *شبیه‌شناسی*، س. ۱۰، ش. ۳۸، ص ۲۵۲.

۳ مستله نادر با علما موضوع دیگری بود. به طور کلی نادر میانه خوبی با قشر روحانی نداشت و تکیه نظام حکومتی برآنها را بی‌فایده می‌دانست. ضبط اوقاف و خارج نمودن درآمد آن از دست علما یکی از اقدامات نادرشاه بود. البته این نوع رفتارها، به رابطه او با مذهب مردم مربوط نمی‌شد. نادر نه می‌خواست و نه می‌توانست احتیاج مردم را به مذهب از میان بردارد، تنها وی به روح مذهبی جامعه بی‌اعتنای بود. ظاهرآ تا تشکیل شورای مغان در سال ۱۱۴۸ق. این تقابل صورت واضحی نداشت. ولادیمیر مینورسکی (۱۳۸۱)، *ایران در زمان نادرشاه، رشید یاسمنی*، تهران: دنیاگردان، ص ۲۸۲.

تمام تقاضاهای نادر در دشت معان بجز بند موروشی بودن، ارتباط مستقیمی با وضعیت دینی داشت. آنچه از حیث بررسی اعتقادات دینی نادر از محتوا و مضامین سکه‌های مزبور مستفاد می‌شود، این است که نادر یک مسلمان واقعی پیرو دین اسلام و به احتمال زیاد عدم تعصب نادر نسبت به تشیع و تسامح مذهبی با اهل سنت، براساس سیاست‌های وقت بوده است. وی همانند صفویان از مذهب تشیع حمایت رسمی نمی‌کرد و طرفداری از خاندان صفوی را منع نمود. ذکر این نکته قابل تأمل است که نادر با توجه به سیاست‌های خاص مذهبی خویش که در جهت رفع اختلاف شیعه و سنی بود، ابتدا دستور به حذف شهادتین و اسمی ائمه(ع) داد و بجای آن از عبارت «خَلَدَ اللَّهُ مَلْكُه» که مورد قبول شیعه و اهل سنت بود، در پشت مسکوکات استفاده شد. سال جلوس نادر (۱۱۴۸ق.) به ماده تاریخ با نوشته «الخیر فيما وقع=۱۴۸۱» است که بر روی سکه‌ها نقش بست. (تصویر ۶)^۱



(تصویر ۶)

نقر شدن نام ایران بر سکه نادرشاه

یکی از بزرگترین ویژگی‌های تاریخ ایران، واقعیت مستمر و پایدار ملت و دولت ایران در طول تاریخ پر فراز و نشیب این مرز و بوم بوده است. در زمان ساسانیان، ایده ایران به عنوان یک واحد مجزا و ممتاز از سایر حکومت‌های روزگار و با مضمون سیاسی، جغرافیایی، فرهنگی و مذهبی پر ریزی شد. بعد از سقوط امپراتوری ساسانی و تبدیل ایران به بخشی از قلمرو خلافت اموی و عباسی، «نام ایران» به تدریج کاربرد خود را از دست داد و به مدت شش قرن ایران یا بخشی از یک سرزمین‌های خلافت شرقی بود یا بین چند حکومت تقسیم

1 Rabino, *ibid*, pp. 1-12.

و بجای نام ایران، نام ایالات آن در منابع ذکر می‌شد که مهم‌ترین آنها خراسان و عراق عجم بودند. پس از اینکه ایلخانان مغول به قدرت رسیدند، قلمرو آنها با قلمرو تاریخی ایران تطابق داشت و از جیحون تا فرات و از خلیج فارس تا دریای خزر را دربر می‌گرفت. در این زمان بار دیگر نام ایران به عنوان یک جغرافیای سیاسی متعدد در منابع پدیدار شد. اما بعد از سقوط ایلخانان در سال ۷۳۶ق، هرچند نام ایران باز هم در منابع دیده می‌شود ولی بار دیگر ایران تجزیه شد و فتوحات تیمور هم آن را یکپارچه نکرد، کار مهمی که صفویه آن را به انجام رسانند.

اسمیت بر این باور است که ملت‌های باستانی ایران و مصر به علت پذیرش کیش نو و اشغال از سوی مهاجمان، در مقطعی از زمان از بین رفته‌اند. در عین حال، وی دوره صفویه در ایران را دوره‌ای استثنایی و در خور مطالعه در رویش ملت‌ها در دوره پیش از مدرنیته می‌داند.^۱ برآمدن سلسله صفویه به منزله روی کارآمدن دولتی فراگیر بود که مرزهای ایران را به عهد ساسانیان رساند، خاستگاه ایرانی داشت، مذهب شیعه را رسمی کرد و بیش از دو سده این جغرافیای واحد را حفظ نمود. این دولت از آغاز بر عنصر دیوان‌سالاری و فرهنگ ایرانی تکیه کرد و عرصه‌ای برای احیا و تقویت هویت ایرانی در ابعاد مختلف پدید آورد. بدین‌سان، نام ایران فراتر از منطقه جغرافیایی یا دلالت کننده بر گروه قومی است و آن را در مفهوم سیاسی و در بردارنده دولت و ملت ایران نشان می‌دهد. در این دوره سورخان و سایر اشاره‌ساد جامعه از مرزهای تاریخی ایران اطلاع داشتند و در این مورد هم تحت تأثیر شاهنامه فردوسی بودند. به عنوان نمونه، مؤلف لب التواریخ که در نوشتن مبحث تاریخ باستانی و افسانه‌ای ایران از شاهنامه الگو می‌گیرد، می‌نویسد: «افریدون را سه پسر بود نامدار، مملکت خود بر ایشان بخش کرد: دیار مغرب تا رود فرات به پسر مهتر-سلم-داد، دیار مشرق تا رود جیحون به پسر میانه-ستور-داد و میانه که تختگاه بود و به ایران منسوب، به پسر کهتر-ایرج-داد».^۲

با توجه به مطالب ذکر شده هرچند مفهوم ایران در دوره صفویه به عنوان یک مفهوم سیاسی-اجتماعی به کشور مستقل ایران اطلاق می‌شد که برپایه هویت تاریخی این مرز و بوم

۱ آنتونی دی اسمیت (۱۳۸۳)، *ناسیونالیسم (نظریه، تاریخ، پیشوایی)*، ترجمه منصور انصاری، تهران: نشر تمدن ایرانی، ص ۱۵۲.

۲ یحیی بن عبدالطیف قزوینی (۱۳۸۶)، *لب التواریخ*، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ص ۴۹.

و در خاطره‌ها، اسطوره‌ها، متون، فرهنگ و زبان این مردم بار دیگر بازآفرینی شده و مفهومی متداول و رایج و شناخته شده و جاری بود، اما این عنوان یعنی نام «ایران» بر روی مسکوکات سلاطین عصر صفوی نظر نگردید. جالب توجه اینکه برای نخستین بار نام ایران بر روی سکه و مهر نادرشاه نقش می‌بندد، عنوانی که تا قبل از آن سابقه نداشته است: «سکه بر زر کرد نام سلطنت را در جهان / نادر ایران زمین و خسرو گیتی ستان» (۱۱۴۸-۱۲۱۰ ق.).^۱ (تصاویر ۷ و ۸).

نادر با تکیه بر استعدادهای فردی خود و با استفاده از سپاهیان تحت فرمان و منظمی که ایجاد کرده، بر رقبای داخلی و دشمنان خارجی پیروز شد. او پس از موقیت‌هاییش در بیرون راندن نیروهای خارجی، خود را منجی ایران می‌شمد.



تصویر (۸)



(تصویر ۷)

براین اساس، تجلی این مفهوم جدید به عنوان نامی فراگیر و عمومی بر جغرافیای سرزمینی، به عنوان بخشی از هویت ایرانیان پس از عقب راندن افغانه و اخراج بیگانگان از مرزهای ایران عصر شاه عباس اول صفوی، ظهور گستردگتری با همان ماهیت و کیفیت شکل گرفته در عصر صفویه داشته است. به بیانی دیگر مفهوم ایران در دوره افشاریه، ناظر بر کشور ایران و مساوی با هویت سرزمینی و جغرافیایی به شمار می‌رود.^۲

۱ سکه نادر شاه در موزه باغ نادری.

۲ کاربرد گسترده حاکمان و سلاطین آن دوره نیز در مکاتبات خود با نادرشاه افشار مشهود است که وی را به عنوان فرمانروای ایران خطاب کرده‌اند. علاوه بر این سفرنامه‌نویسان خارجی که در این دوره وارد ایران شده‌اند؛ اعم از سفراء، بازرگانان و سیاحان نیز در آثار خود نام ایران را در مفهوم کشور ایران به کار برده‌اند. (هنوی، همان، ص. ۹۳).

نقر مضامین نمایشگر اقتدار و شوکت بر سکه‌های نادرشاه

در دوره سلطنت نادرشاه به جهت تغییراتی که در ساختار و ارکان دولت به وجود آمد، به رغم استفاده از مسکوکات پیشین، در عین حال متنوع‌ترین قالب‌های ضرب سکه به کار گرفته شد. سکه‌های این پادشاه دارای متن‌هایی مفصل و متفاوت هستند. با توجه به اینکه نادرشاه در دوران حکومت خود مناطقی را به خاک ایران ضمیمه نمود، مسکوکاتی به نام وی با القابی از قبیل صاحبقران، گیتی‌پناه، شاه شاهان، السلطان الاعظم در قلمرو پهناورش به خط و زبان فارسی ضرب گردید که نشان از نفوذ و قدرت نادر دارد و در ذیل به برخی از آنها پرداخته می‌شود.

صاحبقران: عنوان صاحبقران به حاکمی اطلاق می‌گردید که به هنگام قران سیارات، خاصه قران سعدین متولد می‌شد یا مدت حکومتش از سی سال تجاوز می‌کرد. با این حال، این لقب برای حکامی نیز که از چنین ویژگی‌هایی برخوردار نبودند به کار رفته است. در تواریخ متعدد، به‌ویژه در دوره دوم صفویه، از جمله در مورد جلوس شاه عباس دوم صفوی در قصص الخاقانی به زیبایی آورده شده است: «در همان ساعت که خطبه صاحبقرانی بنام شهریار سلیمان وقار خوانده می‌شد، وجوه دراهم و دنانیر را بدین سکه محلی مزین فرمودند، بیت: «به گیتی سکه صاحب قرانی / زد از توفیق عباس ثانی». علاوه‌براین در ایيات دیگری از سکه‌های دوره متأخر صفویه - شاه طهماسب دوم و شاه عباس سوم صفوی - عنوان صاحبقران بر آن نقر شده است:

- «به گیتی سکه صاحبقرانی / زد از توفیق حق طهماسب ثانی» (شاه طهماسب دوم صفوی).^۱

- «سکه بر زر زد به توفیق الهی در جهان / ظل حق عباس ثالث ثانی صاحب قران»^۲ (شاه عباس سوم صفوی).

با توجه به متون تاریخی مشخص می‌شود که در گذشته اطلاق لفظ صاحبقران به پادشاهان اهمیت بسیاری داشت و بیشتر حکمرانان ایران، برای نشان دادن عظمت، قدرت و

۱ ولی‌بن‌داود قلی شاملو (۱۳۷۱)، *قصص الخاقانی*، تصحیح سید حسن سادات ناصری، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص ۲۷۰.

۲ شریعت‌زاده، همان، ص ۲۶۴.

۳ مردمی، همان، ص ۳۶۲.

شجاعت خود از این لقب استفاده می‌کردند. محمد معین نیز در فرهنگ لغت خود، علاوه بر معنی بالا گفته است صاحبقران: «پادشاهی عظیم الشأن عادل و جهانگیری که دولتش دوام داشته باشد. همچنین کسی که در عصر خود بجهتی از جهات، بر هم مسلکان خویش تفویقی حاصل کرده و در حرفة خود ممتاز باشد».^۱

شاه شاهان: پادشاهی والا و بلندمرتبه که دیگر پادشاهان و حاکمان نظامهای سلطنتی، بنده و فرمانبردار و خراجگزار او بوده و یا در موقعیت تحت‌الحمایگی او قرار داشته‌اند. به چنین کسی در زبان لاتین امپراتور می‌گویند. امپراتور یا شاه شاهان، جایگاه و نیرویی بالاتر و بیشتر از شاهان معمولی داشت. در فرهنگ لغت دهخدا ذیل کلمه شاه شاهان چنین می‌نویسد: «شاهی که ممتاز از شاهان دیگر باشد که بارزتر و برتر از شاهان باشد که بر شاهان خرد سمت سروری داشته باشد».^۲

با ملاحظه سکه‌های نادرشاه افشار در دوره‌های مختلف چنین دریافت می‌شود که بعد از قرن‌ها که بر مسکوکات ضرب شده در این سرزمین نام پروردگار و رسول الله و بعدها نام خلفا و از زمان صفویه به بعد نام حضرت علی و ائمه اطهار (ع) بر سکه‌ها آورده می‌شد، با ضرب این سکه مفاهیم دینی و مذهبی از سکه‌ها حذف گردید و این رویه تا کسب قدرت به وسیله عادلشاه ادامه یافت. در ذیل گونه‌های متعددی از آن سکه‌ها پس از تاجگذاری نادرشاه معرفی می‌شود.

- گونه دوم: «روی سکه: سکه بر زر کرد نام سلطنت را در جهان / نادر ایران زمین و خسرو گیتی ستان» (۱۱۴۸-۱۱۵۰ ق.). (تصویر ۹) پشت سکه: «یا جمله کوتاه «بتأریخ الخیر فیما وقع» را که به تخت نشستن او را به حروف ابجد نشان می‌دهد. (تصویر ۱۰).^۳

- گونه سوم: (۱۱۴۸-۱۱۵۰ ق.). روی سکه: «سکه بر زر کرد نام سلطنت را در جهان / نادر ایران زمین و خسرو گیتی ستان» (۱۱۴۸-۱۱۵۰ ق.). (تصویر ۱۱) پشت سکه جمله «تاریخ جلوس میمنت مأنوس الخیر فیما وقع» (۱۱۴۸) (تصویر ۱۲).^۴

- گونه چهارم: روی سکه: «السلطان نادر» (تصویر ۱۳) / پشت سکه: «خلد الله

^۱ محمد معین (۱۳۸۹)، فرهنگ معین، ذیل عنوان صاحبقران تهران: بهزاد، ذیل عنوان صاحبقران.

^۲ علی‌اکبر دهخدا (۱۳۸۹)، لغتنامه دهخدا، جلد هجدهم، تهران: دانشگاه تهران. ذیل عنوان شاهشاهان.

^۳ سکه نادر شاه در موزه باغ نادری.

^۴ یوسف افتخاری (۱۳۹۴)، سکه‌شناسی شاهان افشار، تهران: پازینه، ص ۷۳.

- ملکه» (۱۱۵۰-۱۱۵۲ق).^۱
- گونه پنجم: روی سکه «هست سلطان بر سلاطین جهان / شاه شاهان نادر صاحقران» (۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰ق.).^۲
- گونه پنجم: روی سکه «ضرب دارالسلطنه اصفهان» (تصویر ۱۶).^۳
- گونه ششم: روی سکه «سکه مبارک پادشاه غازی نادرشاه» (تصویر ۱۷) پشت سکه: «سنہ حد جلوس والا» (ضرب محمدآباد بناری، بی تاریخ) (تصویر ۱۸).^۴
- گونه هفتم: روی سکه: «هست سلطان بر سلاطین جهان / شاه شاهان نادر صاحقران» (تصویر ۱۹) و پشت: «خلد الله ملکه و سلطانه سنہ احمد، ضرب دارالامن سرهند» (۱۱۵۲ق.).^۵
- گونه هشتم: روی سکه «داده زیب تازه رو بر مهر و ماه / سکه نادر شه گیتی پناه» و پشت سکه «سنہ احمد جلوس میمنت مأنوس» (۱۱۵۲ق.).^۶



۱ فریخش، همان، ص ۶۳.

۲ شریعتزاده، همان، ص ۲۷۰.

۳ سکه نادر شاه در موزه باخ نادری.

۴ فریخش، همان، ص ۶۴.

۵ سکه نادر شاه در موزه باخ نادری.

محتوای مضامین مسکوکات جانشینان نادرشاه

نادرشاه در محیط ارتعاب و تهدید حاکمیت را به دست آورد، اما دیری نپایید که در مناطق مختلف ایران شورش‌هایی صورت پذیرفت که در سال ۱۱۶۰ ق. به قتل نادر منجر گردید. پس از قتل نادر سرجنبانان و مدعیانی در صدد کسب قدرت برآمدند در حالی که هیچ‌کدام مشروعیت لازم را نداشتند. بازماندگان نادر و رؤسای ایلات هر کدام با پایگاه ضعیف اجتماعی و مذهبی که داشتند بخت خود را برای دستیابی به قدرت آزمودند، اما به دلیل عدم مشروعیت در جامعه ایران توانستند بر تمامی ایران مسلط شوند. مدعیان قدرت چون مشروعیت نداشتند در پناه نام امامان قرار گرفتند. در این زمان افرادی که به نام خود سکه زندن، به دو دسته تقسیم می‌شوند یک گروه از آنان که در خراسان به مرکزیت مشهد فعال بودند از قبیل برادرزادگان نادرشاه، علیقلی خان (عادلشاه ۱۱۶۰ - ۱۱۶۱ ق.)، ابراهیم شاه (۱۱۶۱ ق.) و نوه نادر، شاهرخ (۱۱۶۱ - ۱۲۱۰ ق.). گروه دیگر که در نواحی غربی و مرکزی شامل آذربایجان، فارس و اصفهان در تلاش برای کسب حاکمیت بودند. هر دو گروه مجبور بودند برای کسب مشروعیتی که دارا نبودند، از شعائر مذهبی استفاده نمایند و نام ائمه اطهار(ع) را در سکه‌های خود بیاورند، آنان که در خراسان بودند نام مبارک امام رضا (ع) را بر سکه آوردن. علیقلی خان نام آن حضرت را بر سکه خود نقر کرد و شاهرخ نیز با اشعاری، خود را وابسته آن امام نامید و این اشعار را بر سکه‌های خود نقر نمود.^۱

بارتولد درباره ضرب سکه به نام امام رضا(ع) در این برهه زمانی ایران می‌نویسد: «هنگامی که در ایران حکومتی مورد پذیرش همگان نبود، سکه‌های به نام علی بن موسی الرضا(ع) ضرب می‌گردید». او در ادامه توضیح می‌دهد: «هیچ دولت مسلمان دیگر حتی امپراتوری عثمانی که توانست برای هدف‌های خود از اندیشه غزوه و جهاد، جاذبه مکه و مدینه و در پی آن اندیشه خلافت بهره‌برداری کند، دارای چنین مرکز مقدسی نیست که حتی در روزگاری که دودمان حاکمی در کار نبوده است، نماد یگانگی دولت باشد».^۲

عادلشاه

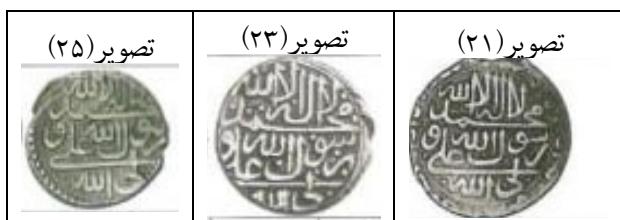
با آغاز سلطنت عادلشاه تغییر جدیدی بر روی سکه‌ها به وقوع پیوست. این بار ارادت

۱ احمد شاهد (۱۳۸۹)، سیری در سکه‌های شاهان ایران از آغاز تا پایان ضرب سکه، اسفاراین: آستوئن، ص ۲۱۶؛ رایبو، همان، ص ۳۰.

۲ بارتولد، همان، ص ۲۶.

فرمانروایان افشاریه به ائمه اطهار(ع) در قالب ایيات شعر فارسی بر روی سکه‌ها انعکاس یافت. عادلشاه در سال ۱۱۶۱ ق. در تبریز سکه نقره چهارشahi ضرب نمود که روی سکه عبارت: «الله الا الله، محمد رسول الله، على ولي الله» و پیرامون روی سکه نام ائمه اطهار(ع) «علی، حسن، حسین، علی، محمد، جعفر، موسی، علی، محمد، علی، حسن و محمد» به چشم می‌خورد. (تصویر ۲۱) پشت سکه عبارت «گشت رایج بحکم لمیزلى، سکه سلطنت بنام علی» ضرب شده است. گاهی اوقات کلمه «لم یزلی» به صورت سرهم یعنی «لمیزلى» نیز نوشته شده است. (تصویر ۲۲)^۱ از علیقلی خان سکه ده شاهی نقره، ضرب مشهد در سال‌های ۱۱۶۱-۱۱۶۲ ق. یافت شده که بر روی آن عبارت «الله الا الله، محمد رسول الله، على ولي الله» (تصویر ۲۳) و پشت آن: «یا علی بن موسی الرضا» حک شده است. (تصویر ۲۴)^۲ سکه دیگری از دوره عادلشاه موجود است (سکه ده شاهی نقره، ضرب مازندران، ۱۱۶۱ هجری) و روی سکه عبارت: «الله الا الله، محمد رسول الله، على ولي الله» آمده است (تصویر ۲۵).^۳ بر پشت این سکه نام حضرت علی(ع) و امام رضا(ع) هر دو با اشاره به نام خودش به صورت ایما آمده است: «ز بعد نادر دوران، عدالت سکه بر زر شد / به نام شاه دین سلطان علی عالم منور شد». (تصویر ۲۶)^۴

به خوبی روشن است که منظور اصلی دستگاه حکومتی علی‌شاه از بیان نام علی و استفاده از کلماتی چون عدالت و شاه دین، خود عادلشاه افشار است که می‌کوشد برای زدودن یاد بی‌عدالتی‌های اوآخر دوران نادرشاه به حضرت علی(ع) اشاره کند که مظہر عدالت بوده است و از این رهگذر، شاه کنونی یعنی عادلشاه را ادامه دهنده راه آن حضرت معرفی نماید.

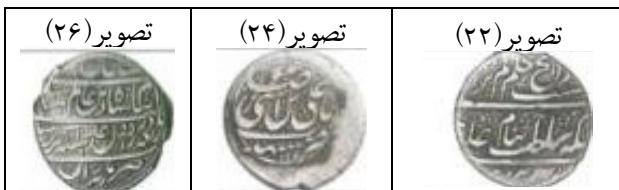


۱ فرجبخش، همان، ص ۶۷.

۲ سکه عادلشاه در کتابخانه و موزه ملی ملک.

۳ فرجبخش، همان.

۴ سرافرازی، همان، ص ۲۶۴.



ابراهیم شاه

پس از وی برادرزاده دیگر نادر به نام ابراهیم شاه (۱۱۶۱-۱۱۶۲ق.) مدت کوتاهی به حکومت رسید و گونه‌های مختلفی از سکه‌ها را ضرب نمود. رایینو سکه‌هایی از وی را با شعارهایی در وصف ائمه اطهار (ع) معروفی می‌کند:

«ز فیض حضرت باری و سرنوشت قضا رواج یافت بر زر سکه امام رضا»^۱
 از ابراهیم شاه سکه یک شاهی یافت گردیده است که عبارت: «یا صاحب الزمان ادرکنی اصفهان ۱۱۶۱» را دارد. علاوه بر این از ابراهیم شاه، مسکوکات دیگری نیز وجود دارد که یک روی آن «ضرب دارالسلطنه قزوین، ۱۱۶۲ق.» نقر گردیده و بیت «سکه صاحبقرانی زد بتوفیق الله / همچو خورشید جهان افروز ابراهیم شاه» بر روی دیگر آن ضرب شده است.
 (تصویر ۲۷) سکه دیگری از وی وجود دارد که یک روی آن «ضرب دارالسلطنه تبریز ۱۱۶۲ق.» است و متن «بنشست چو آفتان نقش زر و سیم / تا یافت شرف ز سکه ابراهیم» روی دیگر آن نقر گردیده است. (تصویر ۲۸)

سکه نقره شش‌شاهی دیگری که در سال ۱۱۶۲ق در استرآباد ضرب گردیده است. عبارت «السلطان ابراهیم» در روی سکه (تصویر ۲۹) و «خلد الله ملکه» در پشت آن مشاهده می‌شود.
 (تصویر ۳۰)^۲



۱ رایینو، همان، ص ۲۹.

۲ سکه ابراهیم شاه افشار در کتابخانه و موزه ملی ملک.

۳ فرج‌بخش، همان، ص ۶۹.

شاهرخ

در بین جانشینان نادرشاه، نواده نادر، شاهرخ طولانی‌ترین زمان حکومت را در بین سال‌های (۱۱۶۱-۱۲۱۰ ق.) دارا بود. شاهرخ تا روی کارآمدن آقا محمدخان قاجار مدت طولانی در مشهد، حاکمیت داشت و سکه‌های متفاوتی را ضرب نمود. از جمله آنها می‌توان به سکه زری اشاره کرد که پشت آن «ضرب مشهد مقدس، ۱۱۶۳» و روی آن بیت: «دوباره دولت ایران گرفت از سر جوانی را/ بنام شاهرخ زد سکه صاحبقرانی را» نقر شده است. (تصویر ۳۱)^۱

بر روی دو سکه از شاهرخ که در موزه ملک وجود دارد، اشعاری در احترام به علی بن موسی الرضا(ع) نقر شده است. نخست، سکه نقره به وزن یازده گرم که در سال ۱۱۹۳ ق. در مشهد ضرب شده است با این بیت که «سکه زد از سعی نادر شانی صاحبقران/ کلب سلطان خراسان شاهرخ شاه جهان». (تصویر ۳۲) لازم به ذکر است لفظ کلب برای نخستین بار در عصر شاه عباس اول صفوی به نشانه ارادت بی‌سابقه بر روی سکه‌های صفوی نقر گردید. سکه دیگری که در سال ۱۱۶۷ ق. در رشت ضرب گردیده است و از جنس نقره به وزن تقریبی یازده گرم است با این عبارت: رو: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدُ رَسُولُ اللَّهِ، عَلَىٰ وَلِيُّ اللَّهِ» (تصویر ۳۳) و پشت آن، بیت «سکه زد در جهان بحکم خدا / شاهرخ کلب آستان رضا» نقر گردیده است. (تصویر ۳۴)^۲

«یا علی بن موسی الرضا» از جمله مضامینی است که شاهرخ افشار آن را بر سکه خود ضرب نمود.^۳ در سکه دیگری که رایینو از وی معرفی می‌نماید، این بیت به چشم می‌خورد: «آنکه باشد کلب سلطان خراسان شاهرخ روز و شب بر درگهش سایند مهر و ماه رخ» گفتی است در ایيات بالا گاهی اوقات اسم «شاه رخ» به جای «شاهرخ» نوشته شده است. روی سکه: «السلطان شاهرخ» (تصویر ۳۵) و پشت سکه: «خلدالله ملکه و ضرب مشهد مقدس» (بیست شاهی، نقره)، (مشهد، ۱۱۶۲-۱۱۶۳ ق.). (تصویر ۳۶)^۴

۱ رایینو، همان، ص ۲۹.

۲ سکه شاهرخ افشاری در کتابخانه و موزه ملی ملک.

۳ شاهد، همان، ص ۲۱۶.

۴ Rabino, 1973, p. 29.

۵ Ibid.



در مجموع بر روی سکه‌های جانشینان نادرشاه در سلسله افشاریه، به شیوه سلاطین پیشین صفویه از واژه‌ها و عناوینی استفاده می‌گردید که به نام ائمه اطهار(ع) اشاره داشت. مفاهیم و کلمات نقر شده بر روی سکه‌های جانشینان نادرشاه افشار نشان از تغییر سیاست مذهبی جانشینان وی دارد. تأکید بر موضوعاتی چون نام ائمه اطهار (ع)، یا صاحب الزمان ادرکنی، یا علی بن موسی الرضا، کلب سلطان خراسان در این دوره آشکار است. علاوه بر این، واژه‌ها و کلمات نقر شده بر روی سکه‌ها بر خلاف عصر نادرشاه سبکی کاملاً شیعی داشته است.

جدول ۱. مضامین و شعائر نقر شده بر سکه‌های نادرشاه، عادلشاه، ابراهیم شاه و شاهرخ

مضامین سکه‌های جانشینان نادرشاه (۱۲۱۰-۱۱۶۰ ق.)			مضامین سکه‌های نادرشاه پس از تاجگذاری (۱۱۶۰-۱۱۴۸ ق.)	مضامین سکه‌های نادری پیش از تاجگذاری (۱۱۴۸-۱۱۴۲ ق.)
شاهرخ	ابراهیم شاه	عادلشاه		
لا اله الا الله محمد رسول الله عليه وآله وسليمان	امام رضا	لا اله الا الله محمد رسول الله عليه وآله وسليمان	سلطنت را در جهان	لا اله الا الله محمد رسول الله عليه وآله وسليمان

ادامه جدول

سکه صاحب‌رانی	یا صاحب الزمان ادرکنی	لمنزلی	نادر ایران زمین	شاه دین علی موسی رضا
کلب سلطان خراسان	صاحب‌رانی	سکه سلطنت بنام علی	خسرو گیتی سلطان	سلطان اقلیم ولایت علی بن موسی الرضا
شاهرخ شاه جهان	بتوفیق الله	علی حسن حسین علی محمد جعفر موسی علی محمد علی حسن محمد	السلطان نادر	علی حسن حسین علی محمد جعفر موسی علی محمد علی حسن محمد
دولت ایران	خورشید جهان افروز	یا علی بن موسی الرضا	نادر شه گیتی پناه	
شاهرخ کلب آستان رضا	ابراهیم شاه	شاه دین	الخیر فيما وقع	
یا علی بن موسی الرضا	السلطان ابراهیم	سلطان علی	خلد الله ملکه	
کلب سلطان خراسان شاهرخ	خلد الله ملکه		سلطان بر سلاطین جهان	
خلد الله ملکه			شاه شاهان	
السلطان شاهرخ			نادر صاحب‌ران	
			پادشاه غازی نادرشاه	

نتیجه‌گیری

سکه‌ها نمودار فرهنگ و زبان، خط و وضعیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مذهبی هر ناحیه هستند و اطلاعات ارزشمندی را در اختیار تاریخ‌نگاران و پژوهشگران قرار می‌دهند. سکه‌ها سندهای دست نخورده تاریخی هستند که برای روشن شدن برخی از ابهامات تاریخی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرند.

لازم به ذکر است مسکوکات، از جمله سکه‌های این برهه زمانی، فقط به منظور تجارت و دادوستدهای بازرگانی ضرب نشده، بلکه اهداف و پیام‌های مهمی که در ضرب سکه‌ها مورد نظر بوده باید مورد توجه قرار گیرد. زیرا سکه‌های این دوره، عمدتاً با توجه به مناسبت‌های سیاسی، اجتماعی و دینی ضرب می‌گردیده و هدف از ضرب و انتشار آنها، جنبه‌های ارشادی و تبلیغی و در نهایت اهداف سیاسی، مذهبی و اجتماعی بوده است. درواقع، سکه‌ها وسیله‌ای برای رساندن عقاید و اصول و آرای صاحبان سکه به مردم بودند. به تعبیری بهتر سکه به عنوان نماد، در این دوره، نقش رادیو، تلویزیون، روزنامه و دیگر رسانه‌های جمعی را داشته و تأثیر آن در مواردی حتی بیشتر از رسانه‌های گروهی امروزی بوده است.

پادشاهان صفویه با رسمی کردن مذهب تشیع در ایران، شعائر مذهبی خود را بر روی مسکوکات بازتاب دادند که حامل پیام‌ها و اشکال متنوعی است. شعائر شیعی به عنوان بخش ثابتی از نوشتار و سیاست فرمانروايان صفوی بر روی سکه ضرب می‌شد.

با نگاهی اجمالی به جملات، واژه‌ها و مفاهیم استفاده شده بر روی سکه‌های افشاریه، به نظر می‌رسد موضوع وحدانیت، نبوت و تا حدودی تأکید بر تشیع اثنی عشری به عنوان بخش جدایی ناپذیر سکه‌های ضرب شده است. از یکسو وجود چنین شعائری در جامعه اسلامی امری بدیهی قلمداد می‌شود و از سوی دیگر همین موضوع دارای فراز و نشیب بوده است. در دوره سلطنت نادرشاه به جهت تغییراتی که در ساختار و ارکان دولت به وجود آمد، به رغم استفاده از مسکوکات پیشین، در عین حال متنوع‌ترین قالب‌های ضرب سکه به کار گرفته شد. سکه‌های ایام این پادشاه دارای متن‌هایی مفصل و متفاوت هستند و در غالب مناطق جغرافیای ایران ضرب شده‌اند. با توجه به اینکه نادرشاه مناطقی را به خاک خود ضمیمه نمود، مسکوکاتی به نام وی در خارج از قلمرو ایران، به ویژه در هندوستان به خط و زبان فارسی

ضرب گردید که نشان از نفوذ و قدرت دولت نوظهور افشاریه دارد.

با ملاحظه سکه‌های نادرشاه افشار در دوره‌های مختلف چنین دریافت می‌شود که نخستین سکه‌های نادرشاه با شعائر شیعه ضرب شده است. نادرشاه می‌دانست که با خلع صفویه از قدرت، با مشکل مشروعیت مواجه خواهد شد. بنابراین با منع و فسخ عناصر اصلی شیعی که زمانی صفویه بزرگترین حامی آنها محسوب می‌شدند، سنت‌های مشروعیت بخش را دگرگون کرد. به بیانی دیگر نادرشاه خود را بی‌نیاز از بنیان مشروعیت صفویان می‌دانست. دغدغه اصلی او مسائل سیاسی و نظامی بود. با این حال رفتارهای متفاوت نادر قبل و بعد از سلطنت و تا جایی که منابع ذکر کرده‌اند، همگی نشان می‌دهند که وی اگرچه شیعه بود، اعتقادات عمیق مذهبی نداشت.

نادر پس از تاجگذاری و توسعه قلمرو با کنار نهادن شعائر شیعه، مضامین سکه‌ها را تغییر داد که این تغییرات با تمایلهای سیاسی و مذهبی این پادشاه پیوند داشت. مضامین عبارت گتی پناه، شاه شاهان، السلطان الاعظم همگی نمایشگر اقتدار و شوکت نادر است و به قدرت دنیوی پادشاه اشاره دارد و اقتباسی از نگرش و رویکرد دنیوی حکومت ذکر شده است که نادر آن را تکرار کرد. این تغییر مضامین در تمامی سکه‌های نادرشاه افشار پس از تاجگذاری وی دیده می‌شود. نکه بسیار بالهمیت درباره مضامین مسکوکات نادرشاه این است که تمام سکه‌های او این وضعیت را دارند و این مسئله صرفاً به یک، دو یا چند نمونه محدود اختصاص ندارد.

اما پس از نادرشاه، سایر فرمانروایان افشاریه (عادلشاه، ابراهیم و شاهرخ) بار دیگر اشعار و عبارات مذهبی را جهت اثبات ارادت به خاندان نبوت و ائمه اطهار(ع) در سکه‌ها به کار برندند؛ زیرا جانشینان نادر به دلیل عدم مشروعیت مذهبی در جامعه ایران توانستند بر تمامی ایران مسلط شوند. مدعیان قدرت چون مشروعیت مذهبی نداشتند در پناه نام امامان قرار گرفتند و نام ائمه اطهار(ع) را در سکه‌های خود آوردند. آنان نام مبارک امام رضا(ع) را بر سکه حک نمودند. علیقلی خان و ابراهیم نام آن حضرت را بر سکه خود نظر کردند و شاهرخ نیز با اشعاری خود را وابسته به آن امام نامید و متنی در این زمینه بر سکه‌های خود نقر نمود.

منابع و مأخذ

- استرآبادی، میرزا محمدی (۱۳۴۱)، *تاریخ جهانگشای نادری*، به کوشش عبدالله انوار، تهران: انجمن آثار ملی.

- اسماعیلی، صغیری (۱۳۸۵)، سکه‌ها و مهرهای دوره صفوی، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی.
- اسمیت، آنتونی دی (۱۳۸۳)، ناسیونالیسم (نظریه، تاریخ، ایدئولوژی)، ترجمه منصور انصاری، تهران: نشر تمدن ایرانی.
- افتخاری، یوسف (۱۳۹۴)، سکه‌شناسی شاهان افشار، تهران: پازینه.
- بارتولد، واسیلی ولادیمیروویچ (۱۳۸۹)، فرهنگ اسلامی، ترجمه لیلا ربیشه، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- برومد، صفورا (زمستان ۱۳۹۴)، «ضرابخانه فرح آباد: شناسایی شواهد تاریخی و سکه شناختی»، پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران، س، ۴، ش. ۱. صص ۵-۱۵.
- ترابی طباطبایی، سید جمال؛ وثیق، منصوره (۱۳۷۳)، سکه‌های اسلامی ایران از آغاز تا حمله مغول، تبریز: نشر مهدآزادی.
- ترابی طباطبایی، سید جمال (۱۳۵۵)، سکه‌های آق قویونلوها و مبنای وحدت حکومت صفویه در ایران، تبریز، اداره کل موزه‌ها.
- حدیث نادرشاهی (۱۳۵۶)، تصحیح و تحریمه و تعلیقات رضا شعبانی، تهران: دانشگاه ملی ایران.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۹)، نعتنامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.
- دیانت، ابوالحسن (۱۳۶۷)، فرهنگ تاریخی سنیجش‌ها و ارزش‌ها، تبریز: نیما.
- رایینو، لوئی (۱۳۵۳)، سکه‌های شاهان ایرانی: آلبوم سکه‌ها، نشان‌ها و مهرهای پادشاهان ایران، به کوشش محمد مشیری، تهران: امیر کبیر.
- سرافرازی، علی اکبر، آورزانی، فریدون (۱۳۸۳)، سکه‌های ایران از آغاز تا دوران زندیه، تهران: سمت.
- شاملو، ولی‌بن‌داود قلی (۱۳۷۱)، تخصص الخاقانی، تصحیح سید حسن سادات ناصری، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- شاهد، احمد (۱۳۸۹)، سیری در سکه‌های شاهان ایران از آغاز تا پایان خوب سکه، اسفراین: آستون.
- شریعت‌زاده، علی‌اصغر (۱۳۹۰)، سکه‌های ایران زمین، تهران: پازینه.
- شعبانی، رضا (۱۳۷۸)، تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه، تهران: نشرخوشه.
- شهبازی فراهانی، داریوش (۱۳۸۰)، تاریخ سکه دوره قاجاریه، تهران: پلیکان.
- عقیلی، عبدالله (۱۳۷۷)، دارالضرب‌های ایران دوره اسلامی، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار یزدی.
- علاءالدینی، بهرام (۱۳۹۱)، سکه‌های مسی ایران: فلوس دوره‌های صفوی تا قاجاریه، تهران: یساولی.
- فرج‌بخش، هوشنگ (۱۳۸۵)، سکه‌های خرسی، چکشی ایران (صفویه، افغان‌ها، افشاریه، زندیه و قاجاریه)، برلین: نوین فرج‌بخش.
- فروزانی، سیدابوالقاسم (تابستان ۱۳۹۱)، «نادرشاه در بارگاه احمدی» شیعه شناسی، س، ۱۰، ش. ۳۸، صص ۲۲۹-۲۵۴.
- قائینی، فرزانه (۱۳۸۸)، سکه‌های دوره صفویه، تهران: پازینه.

- قزوینی، یحیی بن عبدالطیف (۱۳۸۶)، *للب التواریخ*، تصحیح میر هاشم محدث، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- لکهارت، لارنس (۱۳۵۷)، *نادرشاه*، ترجمه و اقتباس مشقق همدانی، تهران: امیر کبیر.
- مرموی، محمد کاظم (۱۳۶۴)، *عالی آرای نادری*، تصحیح محمدامین ریاحی، تهران: زوار.
- مشیری، محمد (۱۳۵۲)، *کتابشناسی سکه‌ها، مهرها و طغراهای پادشاهان ایران*، تهران: انجمن فرهنگ ایران باستان.
- معین، محمد (۱۳۸۹)، *فرهنگ معین*، تهران: بهزاد.
- مینورسکی، ولادیمیر (۱۳۸۱)، *ایران در زمان نادرشاه*، رشید یاسمی، تهران: دنیای کتاب.
- هنوی، جونس (۱۳۸۳)، *زنگی نادرشاه*، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- سکه‌های باغ موزه نادر شاه در مشهد.
- سکه‌های کتابخانه و موزه ملی ملک.
- Rabino Di Borgomale, H. L. (1974), *Album of coins, medals and seals of the Shahs of Iran (1500-1948 AD)*, edited by M. Moshiri, Tehran: Amir Kabir.
- Hanway, Jonas, (1753), *A historical account of the British trade over the Caspian sea*, Vol. 2, London: Dodsley & Others.